

تجلی توحید در دعا

چکیده

توحید، دعا و نیایش رابطه تنگاتنگ از جهت علمی و عملی دارند. ظهور این مساله در ادعیه معصومین علیهم السلام به چشم می خورد. دعاها هم توحید و مراحل و اقسام آن را آموزش می دهند و هم خود تجلی گاه خالصانه ترین توحید نظری و عملی هستند.

نتیجه دعا توجه به خدا و قرب به اوست. لذا دعا یکی از راه های اصلی و دقیق برای شناخت حقیقت توحید و وحدانیت خداوند یکتاست.

پژوهش حاضر با موضوع تجلی توحید در دعا با هدف تبیین مفهوم وسیع دعا و نیایش و نقش آن در زندگی توحیدی تدوین شده است.

لذا در این نوشتار، پس از بررسی مفهوم توحید و دعا به نقش توحیدمحوری در کیفیت نیایش اشاره شده است و در همین راستا فلسفه نیایش با خدای تعالی و شرایط دعای موحدانه مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توحید، دعا، نیایش، عبادت، زندگی توحیدی، توحید محوری.

طرح بحث

توحید نخستین و مهم‌ترین اصل اعتقادی همه ادیان الهی است، وجود این اصل در هر دینی به آن واقعیت و حقانیت می‌بخشد و محور تمام تعالیم انبیاء الهی از اعتقادات، اخلاق، احکام و... بر پایه این اصل بنا شده است، بلکه هدف بعثت انبیاء معرفت ذات باری تعالی بوده است. در واقع هر انسانی باید برنامه زندگی‌اش دارای جهت و توحیدی باشد و بر اندیشه، ملکات و رفتارهای توحیدی سیطره پیدا کند.

در این صورت است که به کمال حقیقی دست خواهد یافت از این رو انسان موحد سعی می‌کند در تمام شئون زندگی خویش با نگاهی موحدانه بر اندیشه و اعمال خود صبغه الهی بدهد، او اگر در طول عمر خود با مشکلات زیادی روبرو شود تا آنجا که امواج سهمگین حوادث از هر سو او را فراگیرد، دست نیاز خود را تنها به درگاه خداوند یکتا بلند می‌کند، زیرا که خود را دارای فقر ذاتی می‌داند و تنها غنای مطلق را قادر بر سبب‌سازی و سبب‌سوزی می‌شناسد.

انسان موحد خدا را عالم بر تمام رازها و اندیشه‌های درونی خویش می‌بیند اما درعین حال بر این امر واقف است همان طور که در مناسبات بشر با طبیعت نظام کار و کوشش و عمل و بازده عمل مقرر شده است در مناسبات مستقیم انسان با خدا نیز نظام دعا و استجابت مقرر شده است. بشر امروز با تمام پیشرفت‌های مادی در زمینه علم و صنعت، خود را ناکام یافته است. صنعت و دانش و اختراعات هرگز نمی‌تواند آسایش روحی و معنوی را برای بشر به ارمغان آورد، زیرا علم دائماً دستخوش انقلاب و تحول بوده و به آن نمی‌توان اتکای دائمی جست آنچه دیروز مسلم بوده، امروز مورد تردید و فردا به کلی منتفی می‌شود. به همین جهت «بندگان علم» پیوسته در حال تشویش و اضطراب بوده و از آرامش حقیقی بهره‌ای ندارند.

گروهی برای فرار از گرداب بی‌هویتی اسیر بیراهه‌ها گشته و مبتلا به آفاتی شده‌اند که در ظاهر راه گشای آن هاست اما بازهم آرامشی به ارمغان نخواهد آورد تا آنجا که برای حل مشکلات خود به



خرافاتى دچار شده اند که امروزه گریبان گیر اجتماع انسانی است؛ اما انسان موحد تنها قادر مطلق را خداوند متعال می داند و هرگونه تأثیر استقلالی را از دیگر موجودات نفی می کند، آفت های این گونه هیچ گاه دامن انسان موحد را آلوده نمی کند، زیرا بنای این افکار از جنبه شرک نشأت می گیرد و او خوب می داند پناه بردن به وسایل و وسایطی که نه عقلی و نه شرعی هست، نمی تواند راهگشای مسیر زندگی او باشد و او را در سردرگمی و حیرانی می گذارد.

لذا نگاهی تازه بر آن شد تا دعا این نیاز روح و روان آدمی را بر اساس دیدگاه توحیدی مورد بررسی قرار دهد و اصل دعای مقبول و مورد استجابت را بازگو کند. در اکثر کتبی که به آن ها مراجعه شده است دعا در سیره و روایات معصومین و شرایط و آثار آن بازگو گردیده است، در این مجال سعی شده است علاوه بر مفهوم صحیحی از دعا، به بیان ابعاد مختلف دعای انسان موحد و تأثیرات آن پرداخته شود.

الف. مفهوم شناسی

۱- مفهوم توحید:

توحید در لغت: از ریشه (و.ج.د) به معنای تنها، تک و یگانه است. (بندر ریگی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص

۲۳۶۳)

در اصطلاح: مفهوم توحید آن اعتقاد به خدای بزرگ، خدای آفریدگار که اساس آفرینش از اوست و خدای برتر که مافوق همه است. او در مقام یکتایی است و همتا ندارد. (بهشتی، بی تا،

ص ۱۳۰)

۲- مفهوم دعا:

دعا در لغت: از ریشه (ع.د) به معنای درخواست، نیایش، درخواست از خداوند و کلماتی که در اوقات مختلف در مقام استغاثه از خداوند و طلب آمرزش یا درخواست خیر و برکت و برآورده شدن

حاجت بخوانند. (عمید، ۱۳۷۱، ص ۶۰۳)

الدعاء: آنچه بدان کسی را نفرین و آفرین کنند. (جرم، طبیبیان، ۱۳۷۷، ج اول، ص ۹۷۷)



دعا به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است. راغب می‌گوید: دعا مثل ندا است مگر آن که ندا گاهی فقط خواندن است بدون ذکر اسم ولی دعاء بیش‌تر با ذکر اسم می‌آید. (انصاری، ۸۴، ص ۲۰)

دعا در اصطلاح: نوعی خواستن است که به صورت درخواست، راز و نیاز و نیایش با حضرت دوست ابراز می‌گردد. اگر زندگی انسان بدون تأمین خواسته‌ها و رفع نیازهای مادی میسر نیست، حیات روح آدمی نیز مستقیماً به دعا و نیایش وابسته است. نیایش از نیرومندترین عواملی است که روح تربیت‌پذیری معنوی را در جامعه‌ی بشری تقویت نموده و انسان‌ها را از زندان خودپرستی و منی‌ترهایی می‌بخشد چراکه او را متوجه فقر ذاتی و نیاز خود به درگاه باری تعالی می‌سازد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰)

مفهوم دعا آن است که انسان با، باطن و ضمیر خود متوجه آفریننده و مبدأ و نقطه‌ای که از آنجا آمده شود و از او استمداد طلبد و این استمداد از تمام وجود او برخیزد و زبان نماینده و ترجمان دل باشد. نه این که خواسته در حد لقلقه زبان و دل از آن به کلی غافل باشد؛ زیرا حقیقت دعا، خودآگاهی، بیداری دل و اندیشه، طلب سلامتی و توفیق و پیوند درونی با مبدأ همه نیکی‌ها و زیبایی‌هاست. (کتابچی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲)

مفهوم دعا و نیایش فراتر از مطالبه‌ی آب و نان و عمیق‌تر از درخواست مایحتاج روزمره‌ی زندگی مادی است. صرف نظر از آثار دعا بر روح و روان آدمی اگر نظری بر ادعیه و مناجات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) داشته باشیم می‌بینیم این متون خود، از جهت محتوا و مضامین، فرهنگی است پر بار و غنی که در آن جمیع نیازمندی‌های انسان در زمینه‌های مادی، معنوی، اعتقادی، فردی و اجتماعی مطرح گردیده است:

- خداشناسی و ارتقای معرفت از طریق بیان مظاهر قدرت و زیبایی‌های بی‌شمار آفریدگار.
- انسان‌شناسی با طرح مسائل اخلاقی و عرفانی و بیان نیازها، استعدادها و عوامل رشد و انحطاط و سعادت و شقاوت آدمی.

- درخواست توفیق و فراهم شدن شرایط و اسباب، جهت تلاش در زمینه‌ی رشد معنوی و پرهیز از آنچه که انسان را از این حرکت متعالی باز می‌دارد.



- خضوع و خشوع و تسلیم در برابر حق و استمداد از ساحت اقدس آفریدگار جهت خالص شدن نیست و نهایتاً تفویض جمیع امور خویش به پروردگار جهان. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۱)

- نمونه‌هایی از مضامین بلند ادعیه و مناجات به یادگار مانده‌ی آن بزرگواران است که با تأمل و دقت نظر در این گنجینه‌های گران‌بها درمی‌یابیم که معنای دعا، دریایی ژرف به وسعت معارف و معنای بلند آسمانی است.

ب. جایگاه و نقش توحید در دعا

توحید، نخستین و مهم‌ترین اصل اعتقادی ادیان الهی است. وجود این اصل در هر دینی، به آن واقعیت و حقانیت می‌بخشد. انسان‌ها در تمامی ادوار تاریخ، به مبدأ خالق، اعتقاد داشتند. هرچند در شناخت و پیروی از او دچار اشتباه و انحراف می‌شوند ولی با این همه، در مقوله دعا و نیایش و راز و نیاز با او چنین نبود؛ اگر چه با واسطه قرار دادن اشیاء مادی می‌کوشیدند با مبدأ هستی ارتباط برقرار نمایند.

رسالت پیامبران از یک سو برای اثبات وجود خداوند متعال و در گام بعدی اثبات وحدانیت حق بوده است و از سوی دیگر، در آموزه‌های اخلاقی و دینی آنان لزوم دعا و تضرع از وجود خالق یکتا مورد تأکید قرار گرفته است. اگر تاریخ انبیاء را مطالعه کنیم، این نکته جلب نظر می‌کند که دعوت آن‌ها دارای دو جنبه نفی و اثبات بوده است. قابلیت عبادت را از بت و ماه و خورشید و ستاره و... نفی می‌کردند و عبودیت آن ذات مقدس، مبدأ حقیقی را اثبات می‌نمودند و نمی‌گذاشتند نیروی درونی و فطری خداپرستی که با روح و روان مردم رابطه مستقیم دارد، با مصادیق غلط خارجی اشباع شود.

امام رضا (علیه‌السلام) همیشه به اصحاب خود می‌فرمودند:

بر شما باد به اسلحه پیغمبران. از حضرت سؤال شد: اسلحه پیغمبران چیست؟

حضرت فرمود: دعا است. (کلینی رازی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۶۸)

دعا وسیله‌ای برای جلب مغفرت و دفع ضرر هست. همان‌گونه که فرد مسلح وسیله دفاع دارد و می‌تواند خود را از آسیب دشمن برهاند و جان خود را حفظ کند همچنین دعاکننده می‌تواند به وسیله



دعا خود را از خطرها و سختی‌ها برهاند و به امور ناخوشایند نیز دچار نگردد.

امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند:

دعا اسلحه مؤمن، ستون دین، نور آسمان‌ها و زمین است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۸)

امام رضا (علیه‌السلام) در جایی دیگر می‌فرمایند:

مقصود از پرستش خدا، آن است که بندگان به وسیله دعا و عبادت به خدا روی آورند و به درگاهش تضرع و زاری کنند و نیازمندی‌های خود را از وی بخواهند. (بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۱)

در واقع ارتباط انسان با خدا در مقیاس کوچک‌تر، چون آب و نور برای گیاه است. جان انسان نیازمند و آمیخته با رازگویی با خالق هستی است. دل انسان بدون ارتباط با خدا چون زمین مرده و گیاه خشکیده است. این دعا و تضرع و رازی است که دل را زنده و زندگی را با نشاط می‌کند.

وقتی همه چیز اوست، اول و آخر هر چیزی است، هر توفیقی از اوست، عزت از اوست و همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و خیرات اوست، پس اتصال این هیچ به همه چیز، یعنی، توانایی، بزرگی، بزرگی در عین بندگی برای خدا. عزت و سربلندی در عین خاک را و عجز در برابر خدا؛ و همه این‌ها در عبادت، دعا و مناجات و راز و نیاز گنجانده شده است. (دعا در رهنمودهای حضرت امام خمینی، بی‌تا، ص ۹)

۱. معرفت و توحید الهی در دعا

هر مسلمان باید برنامه زندگی اش دارای جهت الهی باشد و بر اندیشه و رفتارهای او فکر توحیدی سیطره پیدا کند و یکسره تسلیم حکم روحی الهی باشد. «اگر انسان خدا را به بزرگی شناخت و الوهیت را منحصر به ذات شعائر او دانست و ذات پاک او را منزله از مشابهت با مخلوقات و صفات را طول مخلوقات دانست ناچار خالص و مخلص خواهد شد برای خدا، تمام خیر و نعمت را از خدا خواهد دانست و غیر خدا را منشأ هیچ چیز و نعمتی نخواهد دانست. پس هرگونه عبادت و شکر و حمد و سپاس را در مقابل هرگونه نعمت، از نعمت آفرینش گرفته تا نعمت‌های تابعه آفرینش مانند علم و هدایت و دین و ایمان که نعمت‌های معنوی‌اند و زمین و آسمان را ابر و باد و مه و خورشید که نعمت‌های مادی هستند، در مقابل همه این‌ها شکر و حمد و سپاس و عبادت را



مقدس و منحصر برای خدا خواهد دانست.»(عبادت و دعا و مناجات در رهنمودهای امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۰۷)

انسان در جهان‌بینی اسلام، از آن‌چنان قدرت والایی برخوردار است که تمام نیروها و انرژی‌ها و جمادات و حیوانات مسخر و محکوم اویند و خداوند تمام وسایل رسیدن به کمال را در اختیار او قرار داده و به امکان هرگونه دخل و تصرفی را بخشیده است ولی باوجود این هر امکانات او مخلوقی است ناتوان و محکوم و بزبون هوس‌ها و خواسته‌هایش است و به تمام مصالح وجود خویش کاملاً آگاه نیست.

لذا بر اثر همین ناتوانی و ناآگاهی است که آفریدگار جهان، تنظیم برنامه زندگی را به عهده وی واگذار نکرده بلکه این بخش مهم از حیات وی که از قلمرو علم و قدرت و امکانات مادی آدمی خارج است را خود به عهده گرفته است. هرگاه روش زندگی انسان در چهارچوب برنامه‌ای که وحی ترسیم کرده است شکل گیرد و تمام زوایای آن با نور برنامه‌ها و دستورات سعادت‌بخش الهی روشن شود او به شاهراه سعادت و نیکی‌بختی خواهد رسید. ولی هرگاه وی از سایه رحمت و حمایت خدا و برنامه الهی خارج گردد، گرفتار تیره‌روزی و بدبختی در دنیا و آخرت خواهد شد.

۲. دعا راهی برای شناخت توحید

یکی از نیازهای فطری در وجود انسان، شناخت خداست. اگر فطرت انسان، خالی از همه گفتارهای علمی و فلسفی شود و تحت تأثیر هیچ نیرو و عاملی قرار نگیرد از زوایای قلب و اعماق دل و روان خود احساس می‌کند ندایی لطیف و پر از مهر و در عین حال محکم و منطقی او را به طرف خدا می‌خواند. این ندا، همان ندای فطرت پاک و بی‌آلایش بشر است که چون حاکمی نیرومند و مقتدر فرمان اعتقاد به خدا را صادر می‌کند.

معمولاً هرگاه انسان در برابر خلاقیت هنری و یا شاهکار چشمگیر دیگران قرار گیرد، ناخودآگاه مجذوب آن‌ها می‌شود. هم‌چنین هرگاه خدمتی از جانب دیگران به او می‌رسد بر ارادت و خضوع او در برابر چنین نیکوکاری افزوده می‌گردد. این دو عامل یعنی کمال مطلق و احسان و نیکی در خداوند به صورت نامحدود وجود دارد زیرا کمال او هرگز در اندیشه ما نمی‌گنجد و



نیکی‌های او آن‌چنان نامحدود است که اگر لحظه‌ای این فیض بریده شود. طومار هستی ما قطع و پرونده عمرمان بسته می‌شود.

سپس انگیزه و حس حق‌شناسی و سپاسگزاری به حکم فطرت و وجدان پاک و سالم ایجاب می‌کند. ما نخست با تحقیق و پی‌جویی آفریننده این نعمت‌ها را بشناسیم نسبت به او شناخت پیدا کنیم. پس دست نیاز به سوی بارگاه بی‌نیاز شد دراز کنیم از او خواسته‌هایمان را بخواهیم تا کمالات انسانی و فضایل اخلاقی نهفته ما به مرحله فعلیت رسیده، بارور شود.

دعا کردن و درخواست از خدا باعث می‌شود انسان نیازهای مادی و معنوی خود را از خدا بخواهد و به اسارت و بندگی دیگران در نیاید خویشتن را به ارزان‌ترین متاع دنیا نفروشد و از همه مهم‌تر اینکه انسان در دعا کردن پس از شناخت خدا نعمت‌های خداوند را می‌بیند و حس تقدیر و سپاسگزاری را در انسان زنده می‌کند و این سببی برای معرفت و توحید الهی است.

ج. خدا و فلسفه دعا

«یکی از علل و اسبابی که خدا در کار انسان مؤثر قرار داده است» دعا «است؛ یعنی اینکه آدمی با تمام وجودش به خدا توجه کند با او به راز و نیاز پردازد، خواسته‌های خود را با او در میان نهد و از او کمک بخواهد. درست است که خدا همه چیز را می‌داند و از خواست قلبی و راز درونی همه کس آگاه است، ولی همان‌طور که او در مناسبات بشر با طبیعت نظام کار کوشش و عمل و بازده عمل را مقرر کرده، در مناسبات مستقیم انسان با خدا نیز نظام دعا و استجابت را مقرر ساخته است.» (خدا از دیدگاه قرآن، ۱۳۶۲، ص ۱۲۳)

دعا درخواست از خدا است و باعث می‌شود انسان نیازهای مادی و معنوی خود را از خدا بخواهد و به اسارت و بندگی دیگران در نیاید و خویشتن را به ارزان‌ترین متاع دنیا نفروشد و از همه مهم‌تر اینکه انسان در دعا کردن پس از شناخت خدا نعمت‌های الهی را بازگو می‌کند و بعد از آن زبان به تقدیر و سپاس‌گزاری می‌گشاید و همه‌ی این‌ها سببی برای معرفت و توحید الهی است و بدین صورت است که هر مخلوقی خود را پدید آمده از این جهان و مقهور و نیازمند به پروردگار این جهان می‌بیند و در ناتوانی‌ها و بیچارگی‌ها که برایش پیش می‌آید، قهراً از همان مبدایی که



رشته وجودش به آن پیوسته است استمداد می کند، مخصوصاً این حالت توجه و استغاثه در هنگام بیچارگی خوب نمایان می شود.

چنانکه خداوند در قرآن می فرماید:

هر نعمتی که دارید از خداست و هنگامی هم که بیچارگی به شما می رسد، ناله شما به سوی خدا بلند می شود. (نحل/۵۳)

در چنان هنگام لازم نیست کسی دعا کردن را به مخلوق یاد بدهد، خود بیچارگی بهتر از هر آموزگار دعا کردن را به وی می آموزد و دعا در آن حال بهترین دعاهاست و اجابت آن هم قطعی است. ولی در مواقع دیگر که مواقع نعمت است و غفلت، باید همواره مخلوق را متذکر ساخت که به خالق خود متوجه باشد و از راه او سر نتابد و از رحمتش محروم نگردد.

۱. دعا و مقام هم نشینی با خدا

«انسان وقتی که از غیر چیزی می خواهد، احساس مذلت می کند و وقتی که از خدا می خواهد احساس عزت. از این جهت دعا هم طلب است و هم وسیله است و هم عنایت. هم مقوله است و هم نتیجه. اولیای خدا هیچ چیزی را به اندازه دعا خوش نداشتند، همه خواهش ها و آرزوها دل خود را با محبوبیت واقعی در میان می گذاشتند و بیش از آن اندازه که به مطلوب های خود اهمیت می دادند به خود طلب و راز و نیاز اهمیت می دادند. هیچ گونه احساس خستگی و ملالت نمی کردند.» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۴۳)

بدون شک یکی از اهداف دعا و نیایش، تقویت روح توحید و نفی بندگی خداست. دعا مغز عبادت و کلید موفقیت است. چراغی در تاریکی ها و نور زمین و آسمان ها است. دعا سلاح پیامبران و محبوب ترین کار نزد خداوند جهانیان است و این قول پروردگار است که «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» (غافر، آیه ۶۰) و چه درخواستش بالاتر از شناخت خدا و پرستش او و اینکه دست نیاز را به سوی محرم راز دراز کنی.

امام رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمود: موسی بن عمران به خداوند عرضه داشت: آیا تو



از من دور هستی که فریاد بزنم و یا نزدیک هستی که مناجات نمایم؟
 خداوند فرمود: من هم‌نشین کسانی هستم که در یاد من باشند.
 موسی عرض کرد: خداوندا! من گاهی در حالتی قرار دارم که بزرگی تو مرا منع می‌کند با تو سخن بگویم. خداوند فرمود: ای موسی! در هر حال با من سخن بگو و در یاد من باش.» (کتابچی، ۱۳۸۲، ص ۶۷)

د. شرایط دعای موحدانه

دعا مانند سایر اعمال عبادی دارای شرایط است. آدابی را می‌طلبد که با فقدان آن تنها کالبدی خواهد بود، بی روح و بی اثر، روحی که بر کالبد دعا و نیایش معنا می‌بخشد، توحید و حقیقت استمداد از درگاه بی‌نیاز یگانه است.

۱. ایمان به خدا

«و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِئِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/ ۱۸۶)

هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند «من نزدیکم» دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌نمایم. پس باید آن‌ها دعوت مرا بپذیرد و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.

۲. پرستش خدا

«و قَالَ رَبِّكُمْ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ آخِرِينَ» (مؤمن / ۶۰)

پروردگار فرمود: و مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم، کسانی که از پرستش من سرکشی نمایند به زودی خوار و سرافکننده به دوزخ درآیند.

در این دو آیه شریفه استجاب دعا ایمان به خدا و پرستش و عبادت باری تعالی دانسته شده است. کسی که خدا را می‌خواند باید حقیقتاً بداند که در عالم مدبری جز او نیست. به او پناه ببرد و تنها به



او امیدوار باشد. اسباب رضایت و خشنودی او را فراهم آورد، دل و زبان را هماهنگ ساخته و با حضور قلب کامل باور داشته باشد که حاجتش برآورده شود.

آن‌ها که لذت انقطاع از خلق به خلقی را چشیده‌اند، هیچ لذتی را بر این لذت مقدم نمی‌دارند. دعا آن وقت به اوج عزت و عظمت و لذت می‌رسد و صاحب خود را غرق در سعادت می‌کند که دعاکننده لطف خاص الهی را با خود ببیند و آثار استجابت دعای خود را مشاهده کند. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۵۶)

۳. انقطاع تام از غیر خداوند

شرط اجابت دعا هماهنگ بودن دل با زبان است یعنی هرگاه انسان حقیقتاً مضطر و پریشان شد و از اسباب و علل منقطع شد و به حالت اضطرار رسید قطعاً دعای او مستجاب می‌شود.

یکی از آداب عرضه نیاز به بارگاه خداوند یکتا بریدن و قطع از آنچه در اختیار دیگران است هست. تا انسان را از امیدی به غیر باشد و دیگری را دارای اثر بداند او را بهره‌ای از دعا نخواهد بود. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: هرگاه کسی از شما خواهان آن باشد که آنچه را که از پروردگارش درخواست می‌کند به او اعطا نماید باید از مردم مأیوس گشته و جز به دعا امید نداشته باشد. هنگامی که خداوند بزرگ این حقیقت را در دلش یافت هر چه از وی بخواهد به او عطا می‌نماید. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۱۹)

انسان موحد به آن درجه از توحید افعالی نائل شده که مؤثر و مسبب حقیقی را خدا می‌داند و اثر و اسباب مستقل و بی‌اذن الهی را از خود و سایر موجودات نفی می‌کند و خدای یکتا را عالم و قادر بر هر چیزی می‌داند.

۴. پنهان داشتن دعا (برای امن از ریا)

همان‌طور که توحید دارای درجاتی است برای شرک هم درجاتی مطرح شده است. شرک دو گونه است: ۱- شرک جلی ۲- شرک خفی. شرک جلی مخصوص بت‌پرستان است، اما شرک خفی را می‌توان شرک عالم دانست. انسان موحد در همه حال از آفت شرک دوری می‌کند و از مظاهر آن که ریا و سمعه است بی‌زاری می‌جوید.



«ادعوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». (اعراف / ۵)

پروردگارتان را با زاری و در پنهان بخوانید، او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد.

«پناه بردن به خدا دور از اغیار موجب مصونیت دعا از شرک خفی است» (جوادی آملی، ۱۳۷۹،

ص ۴)

امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«یک دعای پنهان که به جا آوردی، معادل هفتاد دعای آشکار به شمار می‌رود» (کلینی، ۱۴۰۱،

ج ۲، ص ۴۷۲)

ح. آثار و فواید دعای موحدانه

از تأثیرات شگرف دعا و نیایش افزودن بر توفیق در شناخت خداوند متعالی حرکت در مسیر مستقیم و ایمن ماندن از خطا و اشتباه است؛ که حقیقت دعا سخن گفتن با خدا و درخواست کردن از اوست.

خدایی که آسمان‌ها و زمین و آنچه در آسمان‌ها و زمین است آفریده اوست و با اراده و اختیار او اداره می‌گردد. دعا روی آوردن به آفریدگار یکتای آفرینش و امید نداشتن جز به اوست.

«آنی و جهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً و ما انا من المشرکین» (انعام / ۷۹)

ابراهیم (علیه‌السلام) گفت: من به سوی آن [خدایی] روی می‌آورم که آسمان‌ها و زمین را

به حق آفرید و من از مشرکان نیستم. (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۴۵)

بدون شک یکی از فواید و اهداف دعا و نیایش، تقویت روح توحیدی و نفی بندگی غیر خداست آدمی آنگاه می‌تواند از خدایش چیزی بطلبد و از به دست آوردنش اطمینان یابد که از جمیع مردم نا امید گردد و شرط پاسخ دادن خداوند به دعا بندگان، نا امید ایشان از دیگران است. این معنا را می‌توان عملی شدن توحید و اعتقاد داشتن به یگانگی خداوند دانست.

«در واقع دعا و مناجات با حضرت حق، از یک سو به انسان‌ها کمک می‌کند تا از امید داشتن

به این و آن و از دل خوش کردن به دیگر بندگان فاصله گیرد و از سوی دیگر این حالت دعا و خدا

خوانی به صورت طبیعی، تکیه گاه بودن اعتقاد به خدای واحد را معنا می‌بخشد. بنده در این



وضعیت دل به یکجا می بندد و نقطه امیدش، تنها وجود یگانه‌ای است که یگانه و آفریننده هستی است.» (کتابچی، ۱۳۸۲، ص ۸۲)

دعا نوعی اعتقاد درونی و قلبی را به همراه دارد از جمله:

۱. آرامش روحی:

از آنجایی که دعا بهترین عبادت و یکی از علل تکامل انسان بوده است و برطرف کننده‌ی ضعف‌های او هست می‌تواند با این آثار مؤثر و مهم دل‌های مرده و متزلزل انسان‌ها را آرامش بخشد و شاید یکی از بهترین عوامل اطمینان قلب و آرامش خاطر باشد. ابتدا انسان با قلبی پر از اندوه و زبانی حاکی از اندوه و ناله رو به خدا می‌کند و بعد از مطرح کردن نیازهایش به درگاه و با قلبی مطمئن‌تر از هر وقت به زندگی ادامه می‌دهد.

۲. تزکیه:

یکی دیگر از آثار دعا تزکیه است و طهارت روح انسان است. اساساً عبادات بهترین عامل خودسازی انسان‌اند به ویژه اگر با توجه کافی انجام گیرند. به طوری که انسان بتواند با یک حالت عرفانی با خدای خویش سخن بگوید، زیرا ارتباط با خدا قلب را به سوی او متوجه می‌کند و از گناهان دور می‌دارد و از همین رو است که آثار تقوی در چهره و اعیان حق جلوه‌ی بیش‌تری دارد.

۳. پیوستن به حق:

چون از شرایط دعا اخلاص و توبه است. لذا یک پیوستگی در حال دعا بین انسان و خدا ایجاد می‌شود که او را مجذوب خدا می‌کند. دعا بهترین عبادتی است که بیش از هر چیز می‌تواند انسان را به خدا نزدیک کند، زیرا دارای شرایطی است که همگی آن‌ها در تقرب به خدا نقش مؤثری دارند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«بر شما باد که دعا کنید به راستی که با هیچ عبادتی مثل دعا به خدا نزدیک نمی‌شوید.»

۴. تقویت روح و اراده:

در اثر نیایش با پروردگار قادر روح انسان عظمت می‌یابد و قدرتش افزون می‌گردد و اراده‌اش



تقویت می‌شود و بهتر از هر وقت می‌تواند پنجه در پنجه مشکلات افکنده و آن‌ها را از سر راه خود بردارد.

۵. گشایش مشکلات:

یکی از راه‌های حل مشکلات دعا است. گاهی که ضعف بر انسان عارض می‌شود و مشکلات به او روی می‌آورند به طوری که خود را تنها در برابر کوهی از مشکلات می‌بیند و قادر به حل آن‌ها نمی‌باشد، یک وسیله‌ای کاملاً محسوس است که آن کلید حل مشکلات است و با آن می‌توان گره‌های سخت زندگی را گشود و آن دعاست.

۶. شفاء امراض:

یکی دیگر از آثار دعا شفای امراض است به ویژه مرض‌هایی که انسان قادر به علاج آن‌ها نباشد. دعا یک داروی بزرگ عمومی برای شفای تمام دردهاست. همچنان که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«بر تو باد که دعا کنی به راستی که آن شفای هر دردی است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۷۰)

۷. دفع بلا:

دعا در رفع بلاهای آسمانی و زمین تأثیر فراوانی دارد. بلاها دو گونه است، بلاهایی که محقق شده و بلاهایی که مقدر شده اما نازل نگردیده است که دعا در رفع هر دوی آن‌ها مؤثر است؛ که در این باره امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«دعا بلای نازل شده و بلائی را که نازل نشده است را دفع می‌کند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲،

ص ۴۶۹)

۸. گشایش رحمت:

در اثر دعاهای خالصانه در رحمت الهی به روی انسان گشوده می‌شود و زندگی او پر از نعمات و برکات الهی می‌گردد. چه فقرها و ضعف‌ها و کمبودهای مادی و معنوی که در اثر دعا برطرف گشته و رحمت‌های واسعه‌ی الهی به جای آن‌ها قرار گرفته است. افراد به عوض آن که در مادیات



فروروند و تأمین نیازهای دنیوی و اخروی زندگی خود را از این جهت انتظار داشته باشند و دعا را نیز با آن توأم کنند و با ذکر دعا وارد عمل شوند. هر چه را خواستند از خدا طلب کنند و چیزی را جز او در رزق و روزی خود مؤثر ندانند. (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۹۰)

امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

«هیچ گاه نعمتی از قومی سلب نمی‌شود مگر به واسطه گناه آن‌ها، پس ای مردم نعمت خدا را به طاعت و عبادت و پیروی او نگاه دارید و دعا کنید زیرا دعا سبب گشایش رحمت و چراغ قلوب زاهدان و آثار شوق عابدان به خداست.» (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۹۰)

انسان موحد، همیشه و در همه حال خود را در محضر حق تعالی می‌بیند و در پیشگاه محبوب و معبود خویش، لحظه‌ای از دعا و یاد خداوند غافل نیست و همواره از خدای خویش با دعا و زاری و نیاز می‌خواهد که:

«الهی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابدأ»

خدایا، مرا به اندازه یک چشم بر هم زدن به خودم واگذار مکن. (حجازی، ۱۳۶۲، ص ۶۵)

از این رو دعا یکی از روش‌های بسیار مهم اسلامی برای هدایت، تعلیم و تربیت، ساخته شدن و دگرگون شدن انسان است؛ که حقیقت دعا اقرار به وحدانیت خداوند و اعتراف به ناتوانی و جهل خویشتن در برابر خداست و تلاش برای رسیدن به کمال مطلوب یعنی قرب الهی و خشنودی پروردگار عالم هست.

دعا دارای آثار و فوایدی است که هر دعا کننده از آن بهره مند خواهد شد. برخی از آثار دعا:

۱. آثار دنیوی دعا:

از آثار دعا رسیدن به خواسته‌های ضروری زندگانی دنیایی است. گرچه این خواسته‌ها رستگاری آخرت نیایشگران را در برمی‌گیرد. بهره‌مندی از نعمت‌ها و بهره‌های مادی، عاطفی و معنوی این جهان، اشتغال و درآمد مشروع، دوستانی باوفا و باخرد، همسایگانی سازگار، خویشانی دلسوز و پشتیبان که از آثار و فواید دنیوی دعا به شمار می‌آید.



۲. آثار و فواید اخروی دعا:

شمار دیگری از آثار و فواید دعا افزون بر جنبه‌های معنوی این جهان سرور و کامیابی و رستگاری آن جهان را نیز شامل می‌شوند و شناخت خداوند، تقرب به سوی پروردگار، شناخت فرشتگان و جایگاه آنان در مقام قرب الهی، شناخت مقام پیامبران و اولیاء و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و جایگاه آنان در هدایت بشریت به سوی توحید و نفی هرگونه شرک و رسیدن به کمالات انسانی، خودشناسی، خودسازی و تلاش و توکل و شوق به نیکوکاری و سرعت گرفتن در کارهای خیر، قرار گرفتن در شمار بندگان شایسته، سبک باری و راحتی به هنگام مرگ، شادمانی در خانه قبر و عالم برزخ، هم‌نشینی با پیامبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) و بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی او قرب و رضوان الهی و رسیدن به رستگاری از جمله آثار و فواید دعا شمار می‌آیند. (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۶۲)

پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) آموزگاران مکتب توحیدند و خود نیز کامل‌ترین نمونه موحدان عالم، خداخواهانی که لحظه‌ای از او غافل نشدند و دعایشان نیز همین بود و خود نیز راهنمای خداجویان و یکتاپرستان شدند. در این راه، ادعیه‌ی آنان نه تنها زبان حال خویش است و بیان ظاهری ارتباط با مبدأ وجود، بلکه نمونه‌ی اعلا از چگونگی راز و نیاز به درگاه آن بی‌نیاز به شمار می‌آید و ادعیه‌ی آنان وسیله‌ای برای شناخت احکام خدا، طریق بندگی او و فهم مکارم اخلاق و مستحبات دینی به انسان است.



نتیجه بحث

حقیقت و فلسفه دعا و تأکید بر انجام این برنامه روحانی، بر خواسته از نتایج و دستاوردهایی است که هر بشر نیازمندی به آن نیازمند است. در واقع، فقدان دعا و نبود نیایش در میان هر



جامعه، با سقوط آن ملت برابر است. چراکه انسان‌ها به‌وسیله دعا، توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوندی می‌یابند.

دعا و نیایش به درگاه الهی، به گستره استعداد و افزایش لیاقت آدمیان می‌انجامد و نتیجه این تلاش و کوشش به تکامل دعاکننده منجر می‌شود. نیایشگری که در دعا و بیان نیاز خود، بر آن است تا وجود نیازمندی خود را به قوه پایان‌ناپذیر و بی‌نیازی پیوند زند که خالق تمام هستی و برآورنده جمیع نیازهاست. اتصال به نقطه توحید، مقامی است که از نردبان دعا میسر می‌شود.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. احمد بن حنبل، مسند الامام الرضا (علیه السلام)، بیروت، موسسه دار الصدرا، ۱۳۷۲.
۲. اسکندری، حسین، آیه‌های زندگی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
۳. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
۴. اکبری، محمدرضا، چگونه دعا کنیم؟ تهران، توحید، ۱۳۸۳.
۵. انصاری، محمد، آداب دعا و ادعیه قرآنی، قم، شاکر، ۱۳۸۴.
۶. بابویه حقی، ابن جعفر بن علی بن حسین، عیون الاخبار الرضا (علیه السلام)، بیروت، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.

۷. بندر ریگی، محمد، فرهنگ بندر ریگی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۸.

۸. بهشتی، محمد، خدا از دیدگاه قرآن، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.



۹. جر، خلیل، طبیبیان، فرهنگ لاروس، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، انسان در اسلام، قم، شاکر، ۱۳۷۹.
۱۱. حائری کرمانی، حسین، انواری از معارف قرآنی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۲. حجازی، علاءالدین، پیوند با خدا، تهران، امور فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۲.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، علی، روح توحید، تهران، انجام کتاب، ۱۳۶۰.
۱۴. عبادت، دعا و مناجات در رهنمودهای حضرت امام خمینی، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۸.
۱۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۱۶. کتایچی، محسن، نماز و دعا از دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام)، مشهد، نشر الف، ۱۳۸۲.
۱۷. کلینی رازی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱.
۱۸. مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۱۹. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۸۲.

